

تعامل و تقابل سنت و تجدد در معماری ایران (۱۷۸۵-۱۹۲۵ میلادی)

صالح حیدری^۱، راویس عزیزی^۲، نسیم حامد^۳

۱- رشته مهندسی معماری، کارشناسی ارشد اهواز- کوی انقلاب جنوبی، خیابان رامین، بین هلالی و فراهانی

Karyzma2015@gmail.com

۲- رشته مهندسی معماری، کارشناسی ارشد اهواز- گلستان خیابان اقبال خیابان فرهنگ ۲ مجتمع الیای ۲ طبقه ۲ واحد ۳،

www.ravisazizitirafjani@gmail.com

۳- رشته مهندسی معماری، کارشناسی ارشد اهواز- کیانپارس- خیابان سروش شرقی، فرعی ۲، پلاک ۲،

Karyzma2015@gmail.com

چکیده

شیوه جدیدی در دوره قاجار در معماری نهادینه شد که معماران ایرانی را بر آن داشت تا عوامل مشخص معماری ایران را با روش و توجه خاصی با عوامل معماری خاور دور در آمیزد و سنت و تجدد را رو در روی هم قرار دهد که از نظر هنری دل پسند باشد. از نقوش سرستون ها یا نقوش بالای سر در ورودی ها گرفته تا عناصری همچون سنتوری، فرم پنجره و حتی اقبای حجمی از فرم ساختمان تنها گوشه ای از معماری عصر قاجاریه را نشان می دهد. این در آمیختگی نه تنها در معماری بلکه، با تحولاتی در سایر ارکان و پدیده های اجتماعی ایران رخ دهد و این اقدام در جای خود تجددخواهی به شمار می رفت. در این مقاله سعی می شود ضمن تعریف و بررسی سنت و تجدد به این پرسشها پاسخ داده شود: ۱- نحوه مواجه شدن با معماری غرب در تجربه معماری معاصر ایران (نمونه معماری قاجار) چگونه بوده است؟ ۲- آیا می توان رابطه ای میان گرایش معماران به طراحی اجزای معماری مبتنی بر معماری غربی و زمان شکل گیری آثار معماری مشاهده نمود؟ برای یافتن پاسخ به این پرسشها از روش تحقیق استدلال استقراری/ از تکنیک های توصیفی- تحلیلی و تحلیلی، تفسیری استفاده می شود، روش جمع آوری آراء (افراد مطلع در حوزه معماری) از تکنیک پرسشنامه استفاده می شود. نتایج نشان می دهد که تأثیر معماری اروپا بر معماری ایران در دوران قاجار ابتدا در ساختمان های سلطنتی، سپس بناهای عمومی و سر آخر معماری مسکونی خودش را نشان داد.

واژه های کلیدی: معماری، سنت، مدرنیته، قاجار.

۱. مقدمه

برخورد تمدن ایران با تمدن توسعه یافته غربی در دوره قاجار را می توان آغاز جدال میان سنت و مدرنیته در ایران دانست. به همین خاطر نقطه صفر دوران مدرنیته در ایران را مصادف با حکومت قاجارها می دانند. شرایطی چون شکست های غم انگیز ایران از روس ها، امضای قراردادهای ننگین گلستان و ترکمنچای، ارتباط نزدیک با غرب، اشاعه فکر نو، مسافرت دانشجویان به فرنگ و انتقال مشاهدات به هموطنان، ظهور ورود پدیده های فنی، فرهنگی سبب شد تا اندک اندک درب های ایران به روی مدرنیته گشوده شود. مدرنیته همچون سبک ها و مکاتب ابتدا در بستر علوم انسانی بخصوص علوم مذهبی در غرب شکل گرفت و سپس در کسوت انقلاب صنعتی و گسترش فناوری ظاهر شد. در این بین اقدامات تجدد طلبان برای هماهنگ سازی فرهنگ غربی و ایرانی سبب شد در معماری نیز ساختمان های دوره قاجار، هم سو با سنت های ایرانی و عناصر وارداتی غرب طراحی شوند. [۱]. در واقع به دنبال نوآوری ها و تغییرات حاصل از تجدد طلبی معماران محلی نیز تا اندازه ای سلیقه تازه را پذیرفتند و در کارهای خود منظور کردند. هندسه به طور کلی در طراحی و ساخت مساجد، تکایا، و دیگر آثار فاخر معماری ایرانی حضور دارد [۲]. هندسه نمودی از تجلی حکمت اسلامی در کالبد بناهای ایرانی است [۳]. توجه به ریشه های نظری و عملی ساخت این بناها در حوزه نقد معماری از اهمیت به سزایی برخوردار است. [۴] از این رو در تحلیل این گروه از آثار هندسه در معماری، بایست ریشه های نظری در کنار مشخصات کارکردی مورد توجه قرار گیرد. [۵] در نگاه فنی و تکنیکی به آثار معماری ایرانی می توان تعامل میان اقلیم، دانش مهندسی و زیبایی های هنری را مشاهده نمود [۶] موضوعی که در تحلیل هندسه از اهمیت بسزایی برخوردار است:

هندسه می تواند مبنای تبیین معنای هویت در دوره های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن باشد. [۷] هندسه در تجدید حیات گرایی و معماری معاصر در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی از اهمیت به سزایی برخوردار است. [۸] درک افراد مخاطب از آثار معماری تاثیر قابل توجهی بر در انتخاب آثار دارد. [۹] به این ترتیب هندسه را می توان جوهره پنهان معماری در دوره های مختلف دانست.

۲. سنت و تجدد

۲-۱. مفهوم سنت

سنت در اصل لغت به معنای طریق و روش است، اعم از طریقی پسندیده یا ناپسند، گفتار و کردار و تقریر معصوم [۱۰] و دارای شکل هایی از مراسم و آیین ها و رفتارهای تشریفاتی است و تا حد زیادی جمعی است [۱۱]. سنت یک میراث ابدی است که هم به صورت عمودی یا زمانی (گذشته، حال یک حوزه تمدنی، جاری است و تمام ابعاد زندگی یک حوزه تمدنی را در بر می گیرد. سنت خود جزئی از فرهنگ است و به طور تاریخی، انتقال، آینده) و هم به صورت افقی یا مکانی (صرف نظر از مسافت میان آن ها) در میان می یابد و دلالت بر الگوهایی دارد که به ارث رسیده و دچار تغییر و تحول می شوند، و در شکل دهی به هویت افراد نقش دارند. گیدنز بر این اعتقاد است که، سنت ها از جریان نوسازی (Modernization) دور نمی شوند و در یک ارتباط همزیستی درونی با مدرنیته درگیر هستند و در برخی جوانب جامعه، حتی مدرن ترین جوامع، ادامه می یابند [۱۱]. نصر واژه «الدین» را مناسب ترین معادل برای سنت می داند که از اندیشه حکمت جاویدان و ابدی یا همان (Philosophia Perennis) جدایی ناپذیر است

۲-۲. مفهوم «تجدد» و سیر تاریخی آن

«تجدد» صرف نظر از معنی آن در زبان فارسی، به عنوان معادل «مدرنیزاسیون» به کار می رود. تجدد یا مدرن به معنای روزآمد بودن، به هنگام بودن و یا زمان همراه شدن است. دانیل لرنر «مدرنیزاسیون» یعنی فرآیند دگرگونی

اجتماعی که طی آن «جامعه ای کمتر پیشرفته» مخاطب «جامعه پیشرفته تر» را به خود می گیرد. تجدد یا به تعبیر زبان فرانسه، مدرنیته و یا به زبان انگلیسی «modernity» وصف انسانی است که تقریباً از پانصد سال پیش ظهور کرده است [۱۲]. «مدرنیزاسیون» نوعی فرهنگ پذیری است «مدرنیزاسیون» و انگاره ای است مقایسه ای ارزشی. در واقع مدرنیته یا تجدد، تبلور عینی و تجسم یافته دنیای جدید است و مدرنیسم یا تجدد گرایی، تبلور عقیدتی و احساسی این دنیاست. تجدد گرایی به فرآیندی در جهت هماهنگ ساختن نهادهای سنتی با پیشرفت علوم و تمدن اطلاق می شود [۱۳]. واژه مدرنیته «modernity» را نیز معمولاً با مفهوم تجدد و واژه مدرنیسم «modernism» را با تجدد گرایی و نو گرایی برابر می دانند. در اکثر تعاریف، مدرنیته را یک دوره تاریخی و در نتیجه یک پدیده زمان من و مکان مند می دانند [۱۳].

آغاز دوره معاصر با نظراتی ناهمگرا و ناهمگون روبروست. گیدنز شروع این دوره را قرن هفده ولی بیشتر محققان شروع آن را قرن هجده همزمان با دوره روشنگری می دانند [۱۱]. عده ای دیگر شروع تدریجی آن را از اواخر قرن پانزده همزمان با دوره رنسانس و عده ای دیگر آغاز این دوره را با پیدایش انسان گرایی (Humanism) و خردگرایی (Rationalism) در شمال ایتالیا که جهان بینی انسان غربی تغییر جهت داده می دانند. ایرانیان از اواسط سده هفدهم از تجدد مطلع و با شروع قرن نوزده میلادی با درگیر شدن آن نتوانستند آن را با زندگی خود منطبق کنند و دچار معرکه جهان بینی شدند. آغاز ورود تجدد به ایران همزمان بود با جنگ ایران و روسیه که آن را موج اول می نامند. ایران هنگام مواجهه با تجدد توانست به خوبی عمق آن را بشناسد و تحلیل کند. موج دوم تجدد با سرکوبی انقلاب مشروطه آغاز و در آن تجدد به تجدد گرایی، استعمار به استعمار نو به منطقه تحمیل شد. این مقوله سبب شد که ایرانیان نه سنتی بمانند نه کاملاً متجدد شوند و این مسئله تا ۱۹۶۰ ادامه پیدا کرد.

۳-۲. زمینه های شکل گیری تمدن متجدد

عوامل و زمینه های فکری و فلسفی و همچنین عوامل اجتماعی و سیاسی که باعث تحول در تمدن می گردد شامل:

۱- جنبش و عصر رنسانس: این جنبش تقریباً از قرن ۱۴ و در واکنش به سنت های قرون وسطایی شکل گرفت. در این قرن گرایش شدیدی به فرهنگ انسان گرایانه یونان باستان پیدا شد که این گرایش با عناصر و آموزه های مسیحیت اولیه نیز پیوند خورد و فرهنگی نوین و عصری جدید بنام رنسانس را به وجود آورد. [۷] ویژگی بسیار مهم این دوران جنبش و تفکر انسان گرایی، یا اومانیسیم (humanism) بود. بر این اساس «انسان» و حقوق او در مرکز تاملات و تلاش ها قرار می گرفت، عصر رنسانس تا قرن ۱۶ ادامه یافت.

۲- جنبش اصلاح دینی: این جنبش با انگیزه های دینی برای اصلاح کلیسا و مخالفت با موضوعاتی همچون معصومیت پاپ ها و مرجعیت کلیسا رخ داد و تغییر آن منجر به تشکیل مذهب پروتستانتیسم شد (همان).

۳- جنبش و دوره روشنگری: (enlightenment) مهم ترین عامل در تثبیت و تئوریزه شدن مدرنیته و تمدن مدرن در قرون ۱۷ و ۱۸ است. این جنبش ادامه دو جنبش پیشین این دوره و دارای جنبه فکری، فرهنگی، فلسفی است از ویژگی اصلی این دوره تاکید بر عقل و علم (راسیونالیسم) است (عقل گرایی و عقل بسندگی).

۴- انقلاب صنعتی: این انقلاب از ۱۸۵۰-۱۷۵۰ حدوداً بطول انجامید. این انقلاب تمامی حوزه ها و عرصه های زندگی را تحول نمود و موجب بروز پیامدهای فرهنگی، شهرنشینی، ارتباطات و... شد. تحولات صنعتی در واقع نمود عینی علم جدید است.

البته این تحولات تنها مربوط به حوزه تکنولوژی نمی شود، بلکه تمامی حوزه ها و عرصه های زندگی فردی و اجتماعی را دچار دگرگونی و تحولات مهیب ساختاری کرد در واقع اختراعات جدید و نیل به ابزار آلات پیشرفته صنعتی و گسترش کارخانه های بزرگ و... موجب بروز لوازم و پیامدهای فرهنگی عظیمی شد که خود را در زیر و رو

شدن ساختارهای جمعیتی، و در شهر نشینی، ارتباطات، مناسبات انسانی، سبک زندگی اخلاقی، خانوادگی دینی و... نشان داد.

۲-۴. سرآغاز ورود تجدد به ایران

مقوله «تجدد»، در صد و پنجاه سال اخیر به بسیاری از جوانب جامعه ایران سایه انداخته است. بسیاری از کشاکش های نظری و سیاسی این دوران، از مسئله «اتحاد اسلامی» تا «غرب زدگی»، از «جنبش مشروطه خواهی» تا «انقلاب اسلامی»، از «مارکسیسم» تا «تجدد» سید ضیائی و پهلوی، از «شیعه علوی» تا «اندیشه های ترقی» همه جزئی از تلاش های گوناگون در جهت دگرگون کردن، تعدیل، تنغیذ یا تعطیل نمودن تجدد بوده اند [۱۴] و این کشاکش ها، جدال ها و تعاریف، هنوز پس از یک سده و نیم «مهجور و گنگ» مانده است [۱۵].

حضور در دوران جدید تاریخ جهان، برای ایران، در شرایطی صورت پذیرفت که این دوران و الزامات آن بر تاریخ و بر مردمان ایران تحمیل گردید، به طوری، حضور ایران را در این دوران صرفاً حضوری جسمانی بوده است. و علت آن این بود که، «تجدد» به معنی «تفکر در ماهیت دوران جدید تاریخ ایران»، در ایران امکان پذیر نشد. [۱۶] «تجدد» به عنوان «تفکر درباره ی طبیعت و ماهیت دوران جدید» و درک مفهومی آن، به طور اساسی و بنیادی، از اندیشه ایرانیان غایب است، [۱۶]. ایرانیان، نه زبانی از اروپاییان می دانستند و نه از تحولات فراگیر فکری، فلسفی و علمی فنی اروپا که به دنبال جنبش های مختلفی نظیر «رنسانی» و «رفورماسیون» و «عصر روشنگری» صورت گرفته بود اطلاع داشتند به همین دلیل هیچ گاه نیاز به فهم و درک دانش و تفکر جدید در ایران احساس نگردید [۱۷].

در ایران نیز مانند دیگر جوامع مشرق زمین، افرادی روشن بین و نواندیش برخاسته، علی رغم دیدگاه های مختلف فکری و نظرگاه های گوناگون، جملگی «نماینده روح نوجویی زمان» خود بودند و مجموع عقاید و آرای آن ها پیکره ی تحول فکری جامعه ایران را در سده نوزدهم میلادی می سازد. با همه این ها، آغاز عصر قاجار و «آستانه ی» تاریخ جدید ایران، که مصادف است با آغاز قرن نوزدهم، آغاز یک قرن تحول فکری و اجتماعی در مشرق زمین بود [۱۸].

در این زمان که اندیشه های نوین غربی وارد ایران شدند، یکی از مهم ترین رهاوردهای این اندیشه ها، پیش و پس از نهضت مشروطه در ۱۲۸۴ شمسی. (۱۹۰۵ میلادی). گسترش وجهی از عقلانیت مدرن بود که از اندیشه های مرتبط با جریان روشنگری (Enlightenment) ناشی می شد، با گذشت زمان، دموکراسی پارلمانی به عنوان مطلوب ترین شکل سازمان دهی سیاسی جامعه، حمایت از تجارت آزاد و ناسیونالیسم اقتصادی، و حرکتی تدریجی به سوی نوعی اروپایی سازی (Europeanization) ملایم و تعدیل یافته، از جمله اهداف و آمال مطروحه در این دیدگاه بودند [۱۹].

آشنایی ایرانیان با تجدد، همانند بسیاری از جوامع غیر اروپایی دیگر، در ابتدا به صورت حضور در یک «مبارزه و مسابقه ناخواسته» بود. و این مبارزه با اجبار ناگزیر همراه با اکراه، ایشان، نه با میل و اراده ی خود، بلکه بر حسب ضرورت و گاهی تصادف، صورت پذیرفت و آغاز گردید [۲۰]. ایرانیان از بنیادهای فکر غرب دور بودند، نتیجه این غفلت آن بوده است که بیشترین توجه، به معلول ها و محصول های تمدن جدید و پیشرفت های مادی و فنی آن بوده، و از علت های به وجود آورنده ی این تمدن، یعنی «تحول در اندیشه ها و ارزش ها» غفلتی تمام صورت پذیرفته است. مساله بنیادینی که باید در موضوع تجدد خواهی در ایران به آن توجه نمود آن است که «بحران تجدد» در ایران و شکست آن علی رغم تلاش های صد و پنجاه ساله ی اخیر، بحرانی در «بنیادهای عقلانیت» است [۲۱]. در ایران، روشنفکران جامعه از آغاز سده ی نوزدهم میلادی / سیزدهم قمری، با نوعی ضرورت عملی در مقابل تجددی، روبه رو بودند. در این مرحله گرایش ایرانیان به «تجدد»، بیش تر به ظواهر آن و از این ظواهر، به مسایل نظامی و اداری آن بود [۱۷]. بدون توجه به آن که بنیادهای اصلی و مشروعیت حکومت مورد پرسش و مخالفت قرار گیرد [۲۲]. البته «تجدد» به خاطر آن که از طریق نفوذش در ایران خلل های فکری، فرهنگی ماندگار در ایران ایجاد نمود و سامان فکری پیشین

ایرانیان را به بی سامانی کشاند، دیگر پدیده ای «حاشیه ای» در تاریخ ایران نبود. نفوذ «تجدد» از طریق ابزارهای فنی و اقتصادی اش، شرایط تاریخی ساده ی کشوری نظیر ایران را به شرایطی پیچیده تبدیل نمود. چرا که ایران پدیده ای را در خود جای داد که نه در نحوه ی ورود آن از بیرون و نه در چگونگی جای گیری اش در درون کمترین دخالت را داشت. این عدم دخالت موجب شد که «تجدد» و «تجدد گرایی» به پدیده ای تعیین کننده در تاریخ ایران تبدیل شود [۲۳].

۵-۲. بحران تجدد در ایران عصر قاجاریه

یکی از مهم ترین جنبه های بحران تجدد در ایران، از ایم واقعیت خبر می دهد که اغلب پیشگامان تجدد طلبی در ایران عصر قاجاریه در رویکرد خود به غرب، به رغم دل بستگی فراوانی که از خود برای پیشرفت و ترقی علوم و فنون، فرهنگ، صنایع و اقتصاد در جوامع پیشرفته غربی و ایجاد آن پیشرفت ها در جامعه ایران نشان داده اند، نتوانسته اند به شیوه ای بسنده به کانون های فکری سازنده آن پیشرفت ها و ترقی راه یابند. و در واقع نه از موضع تولید کننده تجدد و ترقی، بلکه با قرار گرفتن در جایگاه مصرف کننده، به مصرف محصولات و مصنوعات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی غرب و تجدد غربی محدود شدند، درست است که امتناع اندیشه سیاسی و اجتماعی ایرانیان برای زایش و پویای اندیشه های جدید و کارآمد، قرن ها بود که هر گونه زمینه و امکان خلاقیت فکری در ایران و در میان ایرانیان را در بسیاری از حوزه های گوناگون از بین برده بود اما افراط در شیفتگی غالب پیشگامان تجدد طلبی در ایران عصر قاجاریه و مشروطیت و اختلاف آنان در ادوار بعدی تاریخ و جامعه ایران نسبت به غرب و تجدد غربی، عامل مهمی است که هر گونه فرصت شناخت نقادانه آنان از غرب، تجدد غربی و نیز سنت ها را تا حدود زیادی سلب کرد [۲۴]. هر چند اندیشه ها و تمایلات پیشگامان تجدد طلبی در ایران در ماهیت خود معطوف به اصلاحات و ترقی ایران و پاسخگویی به نیازهای جدید در جامعه ایران بود اما در مبانی فکری خود به شدت تحت تاثیر اندیشه تجدد در غرب بود، زیرا درک از عقب ماندگی های ایران و سرخوردگی از ناتوانی ساختار و نهادهای سنتی جامعه برای پاسخگویی به نیازهای جدید و تحقق ضرورت اصلاحات در راستای پیشرفت و ترقی ایران در شرایطی شکل گرفت که در ذهن و زبان و تجربه های تاریخی و اجتماعی ایران و ایرانیان، برای تعریف و تدوین اندیشه ترقی و تجدد در ایران، الگویی جز پیشرفت و ترقی جوامع غربی که در مقایسه با عقب ماندگی های انباشته شده در ایران از جلوه ها و جاذبه های خیره کننده ای برخوردار بود، وجود نداشت. این رویکرد ماهیتا مثبت را با بحران روبرو ساخت زیرا از فقدان آگاهی لازم و بسنده تجدد گرایان ایران نسبت به غرب و تجدد غربی و چگونگی نسبت جنبه های مختلف فرهنگ و تمدن متجدد غربی با فرهنگ، جامعه و تاریخ ایران ریشه گرفته است.

۳. تعامل فرهنگی ایران و غرب در دوران قاجار

از زمان صفویه تا اواسط دوره قاجار، ایران بیشتر درگیر بی نظمی و جنگ با روس و عثمانی بود. با آغاز دوره قاجار، مرحله سلطه فرهنگی بر ایران نیز آغاز شد با این حال، مهمترین قدم در راه آشنایی با تمدن جدید و معارف اروپایی در دوره قاجاریه برداشته شد، زیرا در این دوره ایران بدون واسطه با سیاست اروپایی روبرو گشت و متوجه شد که توان مقابله با آن را ندارد و باید خود را به سلاح «تمدن جدید» مسلح سازد. توسعه ی وسایل ارتباطی و بسط دامنه سیاست های استعماری، مانع از این گشت که ایران بتواند در گوشه ای از دنیا با سنن باستانی و کهن خویش به زندگانی ادامه دهد. شناخت عوامل شناخت ایرانیان با فرهنگ غرب تاثیر به سزایی در این میان داشته است. توجه عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه و وزیرش به جلب مستشاران خارجی و فرستادن محصل و کارگر به خارج و برپا ساختن موسسات صنعتی به سبک جدید و ترجمه کتاب خارجی به فارسی.

- سفر هیات های نظامی و فرانسوی و انگلیسی به ایران و انجام اصلاحات در سپاه ایران و ساختن اسلحه.
- سفر عده ای از تجار و مبلغان اروپایی و ارمنی
- رفتن یک عده از ایرانیان به اروپا و هندوستان و آشنا شدن با معارف جدید. همچنین اقدامات نظامی روسیه در قفقاز و جنگ های ایران و روس نیز موجب تسریع در انتشار تمدن اروپاییان در ایران شد .
از زمان فتحعلی شاه به بعد، روابط سیاسی و اقتصادی ایران و ممالک اروپایی توسعه یافت و ایرانیان با تمدن اروپایی بیشتر می شد در دوره محمد شاه، دو مدرسه از نخستین مدارس جدید به سبک اروپایی به وسیله کشیشان آمریکایی و فرانسوی در ایران تاسیس گردید و راه نفوذ معارف اروپایی در ایران بازتر شد. از سوی دیگر، دوره سلطنت پنجاه ساله ی ناصر الدین شاه با دوره ترقیات سریع علمی و صنعتی اروپا، بارور شدن انقلاب صنعت، بروز انقلاب ها و هیجان های ملی، تشکیل دولت های جوان اروپایی و بسط سیاست های استعماری ممالک اروپای غربی مصادف شد. در واقع این نیم قرن، فرصتی برای ممالکی نظیر ایران به وجود آورد که خود را به پایه ی ممالک متمدن اروپا برسانند. در این دوه، «دارلغنون» به دست امیر کبیر بنیاد نهاده شد تا به جای اعزام دانشجو به خارج، طالبان علم در داخل کشور تعلیم ببینند. البته به دنبال تاسیس دارلغنون مدارس دیگری هم پا به عرصه وجود نهادند که نفوذ تمدن و معارف اروپایی در آن ها بی تاثیر نبود. (Mohammadi, 1995:369).

تاکید بر مسئولیت و نقش روشن فکران و تحصیل کردگان در بیداری و خود آگاهی فرهنگی جامعه است نکته ای است که نمی توان آن را در میان مطالب اندیشمندان معاصر نادیده گرفت. در واقع، اصرار آن ها در بیداری دیگر روشن فکران ایرانی هم به این دلیل بود که آنان از این مسئولیت ها بی اطلاع بودند. زیرا با ملاک های دیگر و برای محیط هایی دیگر تربیت شده بودند و به ناچار در این محیط زندگی می کردند که البته «حاصل این مشکل، فرار مغزها و در نتیجه رها شدن مردم به حال خویش بود و اگر روشنفکری هم در چنین محیط های سنتی دوام می آورد، بیشتر نوعی جانشین عوامل استعماری بود. نه عضو جا افتاده در جامعه سنتی» [25] و اغلب روشنفکران جامعه ما، از زاویه دید غربی ها به هویت خویش و جهان می نگریستند و قالب های ذهنی و شیوه تفکر و روش تلقی آنان را خودآگاه و ناخودآگاه تقلید می کردند. بدین لحاظ، آگاهان به مسایل جامعه، در درجه اول به تبیین اهمیت فرهنگ و تفاوت های فرهنگی تمدن شرق و غرب و لزوم خودآگاهی فرهنگی آن ها پرداختند تا به این وسیله بتوانند با آگاهی دادن به مردم، آن ها را در برابر تهاجم فرهنگ غربی مقاوم نمایند [۲۵].

۴. سنت و تجدد در معماری معاصر ایران

معماری به صورت درون زا تحول آن از آهنگی کند و همگون با سایر پدیده های هنری و اجتماعی برخوردار بود و این اتفاق تا اوایل دوره قاجار از عوامل و پدیده های درونی جامعه تاثیر می پذیرفت. در دوره قاجار در پی سفرهای متقابل مذهبی، سیاسی، اقتصادی اروپایی، روسی و عثمانی به ایران ساختار معماری ایرانی به تقلید از سرزمین های اروپایی تغییر کرد. به تقلید معماری اروپایی در این دوران عناصری همچون نقوش سرستون های بالای سر در ورودی، سنتوری، فرم پنجره، ترکیب های حجمی ساختمان تغییر کرد. بنابراین همراه با تحولات اجتماعی در ایران تقلید از معماری اروپایی در این دوران کاملا ملموس آغاز شد.

ساختمان های تلگراف خانه، عمارت بلدیة در میدان توپخانه و همچنین عمارت پیرامون میدان حسن آبا در دوران رضاشاه نشان می دهد که تقلید از معماری اروپایی در این دوران ادامه داشته است. در این دوران بود که سبکی ملی یا نوعی باستان گرایی متولد شد. این سبک نوعی ناسیونالیسم در ایران که از احساسات ملی گرایانه به وجود آمد و تاثیر خود را از منطقه پذیرفته بود شکل گرفت و اثر آن در عناصر معماری باستان ایران استفاده می شد. ملی گرایی در معماری با توجه به سبک های باستانی تنها به معماران ایرانی منحصراً نمی شد. بلکه به سبب تمایلات اجتماعی موجود و به ویژه گرایش حکومت وقت به نوعی وطن گرایی ناسیونالیستی، معماران غیر ایرانی مانند آندره گدار، ماکسیم سیرو و

لئون مارکوف نیز غالبا در آثار خود از معماری باستانی ایران الهام می گرفتند. تداوم در معماری سنتی ایران به ویژه در بناهای آیینی مانند مساجد و مزارها و بعد به معماری مدرن در ساختمان هایاداری مسکونی مانند ساختمان راه آهن، فروشگاه فردوسی و هنرستان سخایی اشاره کرد گسترش مدرنیسم در غرب با ورود کالاهای صنعتی و تکنولوژی نوین در بافت های شهری، مصالح بنایی و دگرگونی در نظامی اداری و اجتماعی کشور موجب توجه به مدرنیسم در ایران شد که توسط معماران تحصیلکرده اروپا مانند وارطانیان در طراحی ساختمان ها گسترش یافت . این موارد در کنار تقلید از بناهای کلاسیک اروپایی و ملی گرایی از گرایش های عمده معماران دوران قاجار بود.

۵. معماری ایران در دوره قاجار

تهران از هنگامی که به پایتختی ایران انتخاب شد و دستگاه های دولتی در آن جمع گردید. وسیع و آباد شد و جمعیت آن سال به سال افزون گشت و محله ها و خیابان ها و خانه های بسیاری در آن ساخته شد و در دوره «فتحعلی شاه» و «محمد شاه» توسعه و آبادانی شهر ادامه پیدا کرد، اما تغییر اساسی ظاهر شهر در دوره ناصری انجام گرفت. در این دوره به علت جمعیت زیاد، ناچار رجال و اعیان و سفارتخانه ها در خارج از حصار قدیم، دست به ایجاد باغ ها و ساختمان های زیادی زدند و حدود شهر به کلی تغییر کرد و قسمت هایی از دشت و صحرا جزء شهر درآمد .

۵-۱. تحول در معماری دوره قاجار

معماری متجدد در ایران تقریبا از دوره «ناصر الدین شاه» شروع شد: زیرا از یک طرف دوره سلطنت پنجاه ساله او بیش از یک سوم دوره قاجاریه را تشکیل می دهد و در این دوره به نسبت دوره های قبلی که دوران محمد شاه و فتحعلی شاه است، به نسبت آرامش تقریبی حاصل می شود و زمینه مساعدتری برایروز آبادانی و عمرانی به وجود می آید. در سال ۱۲۸۴ هجری قمری ناصر الدین شاه تصمیم می گیرد، قلعه و حصار قدیمی تهران را برداشته و خندق آن را پر کند و حصار و خندق برای تهران به وجود آورد که ساخت این قلعه جدید حدود دوازده سال طول می کشد و شهر به چندین برابر وسعت قبل می رسد. معماری این دوران تلفیقی از معماری سنتی ایران و معماری نئوکلاسیک غرب است .

۵-۲. رویارویی سنت و تجدد در عهد قاجار

از نظر تاریخی تغییر در روش و نگرش معماران ایران از زمانی آغاز شد که ارتباط ایران با اروپا به طور مستقیم شود، اما در دهه آخر سلطنت ناصر الدین شاه ساختمان هایی کاملا به ظاهر فرنگی که هیچ گونه نمادی از معماری سنتی ایران در آن دیده نمی شود، ساخته شده است. مثلا «قصر یاقوت» (۱۳۰۳-۱۳۰۲ هجری قمری) واقع در سرخه حصار تهران از این نمونه است. ساختمان قصر، به شکل مکعب مستطیل، با بام شیبدار فلزی و بالکن در چهار طرف آن بود. معماری پایتخت به دو گونه کاملا مجزا تقسیم شد، ساختمان مجلل برای قشر مرفه، شکل فرنگی و ساختمان های مردم عادی برقرار شد. اولین ساختمانی که در تهران از معماری فرنگی بهره برده است، مدرسه دارالفنون (۱۲۶۸-۱۲۶۶ هجری قمری) است. برای اولین بار قوس های نیم دایره رومی و ستون های فرنگی مشاهده می شود و بعدها این شیوه و نفوذ معماری اروپایی در بناها و کاخ های «دوشان تپه»، «شمس العماره»، «باغ فردوس»، «کاخ سلطنت آباد» و.. دیده می شود. که فرق چندانی با ساختمان های پدران آن ها نداشت.

در این بین بسیاری از بناهایی که در دوره قاجار ساخته شد تحت تاثیر معماری غرب قرار گرفت که در این پژوهش به بررسی بیش از ۵۰ بنا در این دوره که توسط اساتید پیشنهاد شده مورد بررسی قرار گرفت که به دلیل

محدودیت حجم مقاله به دو نمونه از آثار شاخص که در قالب پرسشنامه های تکمیل شده است اشاره می نمائیم.
(جدول ۱).

جدول ۱- معرفی بناها - (ماخذ: نگارندگان)

نام بنا	بانی	تاریخ بنا هجری قمری	سبک	توضیحات
مدرسه دارالفنون	ناصرالدین شاه	۱۲۶۹	تلفیقی	توسط حاجب الدوله ساخته شد
شمس العماره	ناصرالدین شاه	۱۲۸۲-۸۴	تلفیقی	دارای اولین نمونه از ستون ها و نرده های چدنی، زیر نظر دوستعلی خان معیر الممالک و توسط علی محمد کاشی، طراحی و اجرا شد موجود است.

۱-۵. مدرسه دارالفنون

دارالفنون مدرسه ای که به ابتکار امیر کبیر در زمان ناصر الدین شاه برای آموزش علوم و فنون جدید در تهران تاسیس شد. دارالفنون را می توان نخستین دانشگاه در تاریخ مدرن ایران دانست. مدرسه دارالفنون با زیربنای ۶ هزار و ۱۰۸ متر و دو هزار و ۳۵۴ حیاط مرکزی و دو هزار و ۷۲۳ متر حیاط بیرونی در دو مرحله ساخته شده و این بخش قدیمی ترین قسمت مدرسه است (تصاویر ۱ و ۲).

چهار طرف حیاط مدرسه را پنجاه اتاق احاطه کرده و در برابر آن ها ایوانی گسترده است. این اولین ساختمانی است در تهران که گونه ای از معماری فرنگی در نمای آن مشاهده می شود و اولین بنایی است که در آغاز نفوذ معماری فرنگی در پایتخت را به نمایش می گذارد. ساختمان مدرسه پنجاه اتاق مربعی چهار در چهار ذرعی داشت که در چهار طرف حیاط قرار گرفته بودند. وضعیت ظاهری همه این اتاق ها «منقش و مذهب» توصیف شده که همه آن ها دارای تزئینات چشم نواز نقاشی و گچبری رنگی بوده اند. جلو اتاق ها ایوان و سایبان ساخته بودند. در وسط حیاط مدرسه حوض بزرگی قرار داشت که در اطراف آن باغچه هایی برای کاشت درخت و ایجاد فضای سبز و گلکاری ایجاد شده بود (وب گاه آفتاب). دارالفنون مجهز به آزمایشگاه فیزیک و شیمی و داروسازی، چاپخانه، کتابخانه، سفره خانه یا غذاخوری بود.

تصویر ۱ (منبع: وب گاه آفتاب)

تصویر ۲ (منبع: وب گاه آفتاب)

جدول ۲- پرسشنامه تکمیل شده برای بنای مدرسه دارالفنون (ماخذ نگارندگان)

مدرسه دارالفنون	بسیار سنت گرا	سنت گرا	میانه	تجدد گرا	بسیار تجدد گرا
تزئینات				-	
اجزاء			-		
نما				-	
منبع الهام			-		
مقطع					
مصالح					
پلان		-			

جدول ۳ - مدرسه دارالفنون

معیار	۱	۲	۳	۴	۵
کیفیت طراحی	بسیار خوب	خوب	متوسط	ضعیف	بسیار ضعیف
اهمیت بنا در معماری معاصر	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
اهمیت تاریخی بنا	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
دوره تاریخی	اولیه - آغازین قاجار	آغازین قاجار	اواسط قاجار	پایانی قاجار	متاخر - پایانی قاجار

۲-۵. شمس العماره

از شاخص ترین بناهای کاخ گلستان و برجسته ترین ساختمان ضلع شرقی مجموعه کاخ گلستان است دلیل برجسته بودن این سازه بلمدی (۵ طبقه)، تزئینات و طراحی آن است. این بنا به دستور ناصر الدین شاه با مباشرت دوستعلی خان معیر الممالک در شرق ارگ تهران ساخته شد.

شمس العماره اولین بنای پنج طبقه تهران است و شباهت هایی که با کاخ عالی قاپوی اصفهان دارد (وب گاه کاخ گلستان). معیر الممالک طرح و نقشه کاخ را تهیه کرد و معماری آن با استاد علی محمد کاشی، معمار مشهور آن زمان بود. (تصاویر شماره ۳ و ۴۹).

تصویر ۳ (منبع:وب گاه کاخ گلستان)

تصویر ۴ (منبع: وب گاه کاخ گلستان)

ارتفاع این عمارت چهل ذرع است. با دو برج و مهتابی هایی که روی برج ها نشیمن ساخته اند. ساعت بزرگی در بالای این عمارت است که در زمان گذشته صدای زنگ آن در اکثر قسمت های شهر شنیده می شد وب گاه ایران میراث). شمس العماره به سبب داشتن نقشه مناسب و زیبا و آرایه های ساختمانی و نقاشی های دیواریف یکی از زیباترین بناهای عصر قاجاریه به شمار می آید.

در محوطه باغ گلستان یک حوض بزرگ در مقابل شمس العماره وجود داشت که در دوره های بعد به باغچه تبدیل شد. سر در شمس العماره از خیابان ناصریه را «باب عالی» یا «عالی قاپو» می نامیدند. به سبب اهمیتی که بنای شمس العماره داشت خیابان ناصریه را به خیابان شمس العماره می خواندند. دروازه یا سردر بزرگ کاشی کاری شده این خیابان نیز به نام این بنا مشهور بود. در جلو عمارت و سردر این بنا میدانی نیز ساخته شد که در حجره های جبهه

شرقی و شمالی نقاشان و زرگرها به کار می پرداختند. در میانه میدان حوضی دور قرار داشت که در آن همیشه آب جاری بود و باغچه های گلکاری شده نیز در اطراف آن وجود داشت. ساختمان دو برج هم شکل دارد، کاشی کاری و پنجره سازی آن ایرانی است و بهره ای هم از معماری غربی دارد. کریمپوریا سبک این بنا را سبک تهرانی نامیده است.

جدول ۴- پرسشنامه تکمیل شده برای بنای شمس العماره (ماخذ نگارندگان)

شمس العماره	بسیار سنت گرا	سنت گرا	میانه	تجدد گرا	بسیار تجدد گرا
تزئینات			-		
اجزاء			-		
نما			-		
منبع الهام			-		
مقطع			-		
مصالح			-		
پلان			-		

جدول ۵- عمارت شمس العماره

معیار	۱	۲	۳	۴	۵
۱- کیفیت طراحی	بسیار خوب	خوب	متوسط	ضعیف	بسیار ضعیف
۲- اهمیت بنا در معماری معاصر	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
۳- اهمیت تاریخی بنا	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
۴- دوره تاریخی	اولیه - آغازین قاجار	آغازین قاجار	اواسط قاجار	پایانی قاجار	متاخر - پایانی قاجار

۶. بحث و تحلیل نتایج

دوره تاریخی	اهمیت تاریخی بنا	اهمیت بنا در معماری معاصر	کیفیت طراحی	تزئینات	مصالح	پلان	مقطع	نما	اجزا
۰/۴۸۲***	۰/۵۸***	۰/۱۳*	۰/۱۷۸*	۴۹۴***	۰/۳۱۵*	۰/۱۵۴	۰/۰۹۱	۰/۳۵۶*	۰/۳۱۲*
۰/۰۰۲	۰/۰۱۷	۰/۰۲۵	۰/۰۱۸	۰/۰۰۹	۰/۰۴۳	۰/۰۷۳	۰/۱۲۴	۰/۰۳۶	۰/۴۷
هویت					میزان غری بودن با دوره تاریخی				

Pvalue<02*
Pvalue<005**

از لحاظ دوره تاریخی رابطه منطقی میان گذر زمان و رابطه با معماری غرب مشاهده می شود بر اساس آزمون های صورت گرفته عدد همبستگی مذکور ۴۸ درصد می باشد که عنایت به خطایی ۰/۰۰۲ عدد قابل توجه و بسیار معناداری خواهد بود. به عبارت دیگر هر آنچه از آغاز دوره قاجار به پایان دوره قاجار نزدیک می شویم بناها بیشتر از پیش (با همبستگی ۴۸ درصد) تحت تاثیر معماری غرب قاجار می گیرند.

از نظر اهمیت تاریخی بنا هر آنچه از آغاز دوره قاجار به پایان دوره قاجار نزدیک تر می شویم، رابطه معنادارتر از نظر کیفیت طراحی معماری رابطه قابل توجهی میان گذر زمان و تغییر در کیفیت معماری وجود دارد به عبارت دیگر ضریب همبستگی منفی نشان می دهد هر آنچه از آغاز دوره قاجار به پایان دوره قاجار نزدیک تر می شویم می شود. عدد همبستگی ۰/۰۵۸ درصد با ضریب خطای ۰/۰۱۷ رابطه دقیق و نسبتاً مناسبی را نشان می دهد به گونه ای که می توان انتظار داشت بناهای دوره قاجار بسیار بیش از بناهای ابتدایی قاجار دارای اهمیت تاریخی بالاتری هستند. به همین ترتیب در خصوص اهمیت بنا در معماری معاصر نیز هم رابطه نسبتاً معناداری وجود دارد که هر آنچه از آغاز دوره قاجار به پایان دوره قاجار نزدیک تر می شویم، رابطه معنادارتر می شود. که این موضوع با توجه به جدول شماره ۳ و ۵ کاملاً مشهود می باشد.

کیفیت طراحی معماری کاهش می یابد. عدد خطا ۰/۱۸ نشان می دهد این رابطه معنا دار است و می توان چنین بیان داشت که مرور زمان با کاهش کیفیت معماری رابطه معناداری دارد که این رابطه منفی است و با گذر زمان رابطه عکس دارد.

از نظر تزئینات هر آنچه آغاز دوره قاجار به پایان دوره قاجار نزدیک تر می شویم گرایش به تزئین افزایش می یابد و بناها با تزئینات بیشتر خودنمایی می کنند عدد همبستگی ۴۹ درصد با ضریب خطای ۰/۰۰۹ رابطه دقیق و بالایی را نشان می دهد به گونه ای که می توان انتظار داشت بناهای دوره قاجار بسیار بیش از بناهای ابتدایی قاجار از تزئینات بهره مند باشند به عبارت دیگر هر آنچه از آغاز دوره قاجار به پایان دوره قاجار نزدیک می شویم آثار معماری معاصر ایران بیشتر با تزئینات همراه می شوند که به نظر می رسد تحت تاثیر معماری باروک و روکوکو در جهان غرب می باشند.

از لحاظ مصالح رابطه منطقی میان گذر زمان و رابطه با معماری غرب مشاهده می شود بر اساس آزمون های صورت گرفته عدد همبستگی مذکور ۳۲ درصد می باشد که با عنایت به خطایی ۰/۰۴۳ عدد قابل توجه و معناداری خواهد بود. به عبارت دیگر هر آنچه از آغاز دوره قاجار به پایان دوره قاجار نزدیک می شویم بناها بیشتر از پیش (با همبستگی ۲ درصد) تحت تاثیر معماری غرب قاجار می گیرند. در خصوص پلان هم نیز با گذر زمان و رابطه با معماری غرب مشاهده می شود بر اساس آزمون های صورت گرفته عدد همبستگی مذکور ۱۶ درصد می باشد که با عنایت به خطایی ۰/۰۷۳ عدد قابل توجه و معناداری خواهد بود.

مطالعه مقطع در نمونه های تحلیل شده نشان دهنده آن است که رابطه معناداری میان حرکت از ابتدای قاجار تا انتهای قاجار تغییر در خصوصیات مقطع مشاهده نمی شود به عبارت دیگر آنچه قابل توجه می نماید عدم تبعیت مقطع از دیگر تحولات در حوزه طراحی معماری است. از نظر نما و اجزا هم هر آنچه از آغاز دوره قاجار به پایان دوره قاجار نزدیک تر می شویم، رابطه معنادارتر می شود. عدد همبستگی به ترتیب ۳۶ و ۳۲ درصد با ضریب خطای ۰/۰۳۶ و ۰/۰۴۷ رابطه دقیق و مناسبی را نشان می دهد به گونه ای که می توان انتظار داشت بناهای دوره قاجار بسیار بیش از بناهای ابتدایی قاجار در زمینه نما و اجزا تحت تاثیر معماری غرب قاجار گرفته اند.

نتیجه گیری

سرآغاز معماری ایران در دوره قاجار دستخوش تحولات زیادی شد و ایران به تدریج غنای هنری خود را از دست داد و تحت تاثیر هنرهای غربی قرار گرفت و عواملی چون تماس با غرب، تاثیر حضور استعمار، انسجام اجتماعی در قالب شکل گیری طبقات نوین، اشاعه فکر نو و درخواست استمرار تغییرات، مسافرت رجال و دانشجویان به فرنگ و انتقال مشاهدات به هموطنان، ورود پدیده های جدید تکنیکی، فنی، فرهنگی موجب بیدار شدن این جریان شد تا موجی از داخل و خارج نظام قاجار برای انجام تغییرات گسترده به پا خیزد. چنین به نظر می آید که بروز این شرایط خاص که به تعبیری می توان آن را با مفهوم مدرنیسم ورود مدرنیته به ایران یکسان پنداشت دارای اثراتی بر معماری ایران بوده است. تاثیر معماری اروپا بر معماری ایران در دوران قاجار، ابتدا در ساختمان های سلطنتی و اعیانی، سپس بناهای عمومی و سرآغاز معماری مسکونی خودش را نشان داد. به این ترتیب تعدادی از عناصر معماری غربی وارد معماری ایرانی شد و در ترکیب با همان معماری به اصطلاح سنتی به کار رفت. بخشی از این عناصر وام گرفته شده از معماری کلاسیک و نئو کلاسیک اروپا بود و بخش دیگری هم تحت تاثیر معماری مدرن قرار داشت. نتیجه آنکه می توان گفت در معماری معاصر ایران با توجه به ورود تدریجی اندیشه های مختلف به کشور ما در دوره قاجار، تعامل و پویایی از خصلت هایی است که در این دوره دیده شده است بخصوص این امر در مورد معماری تهرانی بعنوان یک شیوه مکمل قابل تعریف است و از طرفی بخش های سطحی تر معماری بیش از بخش های عمیق تر تحت تاثیر غرب واقع شده است.

مراجع

- [۱] امیربانی، م؛ معماری معاصر ایران؛ نشر هنر معماری قرن، فصل اول.
- [۲] مهدوی نژاد، م؛ ۱۳۸۱: هنر اسلامی در چالش با مفاهیم معاصر و افق های جدید، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۲، صص ۲۳-۳۲.
- [۳] مهدوی نژاد، م؛ ۱۳۹۰: تجلی مفهوم حرکت در معماری معاصر ایران، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال اول، شماره ۱۹.
- [۴] مهدوی نژاد، م؛ ۱۳۸۳: حکمت معماری اسلامی ایران - جست و جو در ژرف ساخت های معنوی معماری اسلامی ایران، هنرهای زیبا: شماره ۲۳، صص ۶۹-۷۶.
- [۵] مهدوی نژاد، م؛ ۱۳۹۰: تجلی مفهوم حرکت در معماری معاصر ایران، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال اول، شماره ۳، صص ۲۱-۳۴.
- [۶] مهدوی نژاد، م؛ ۱۳۹۰: مقایسه تطبیقی اثر جریان هوا بر دو گونه ی بادگیر یزدی و کرمانی، مجله هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، زمستان، ۱۳۹۰، شماره ۴۸، صص ۶۹-۷۹.
- [۷] مهدوی نژاد و دیگران؛ ۱۳۸۹: تجدید حیات گرایی و معماری معاصر در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال اول، شماره ۲، صص ۹۵-۱۰۲.
- [۸] مهدوی نژاد و دیگران؛ ۱۳۸۹: هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن، دو فصلنامه هویت شهر، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۱۳-۱۲۲.
- [۹] مهدوی نژاد و افضل؛ ۱۳۸۹: نقش آگاهی و دانسته های عمومی در انتخاب آثار هنری، دو فصلنامه هنرهای تجسمی و کاربردی، بهار و تابستان ۱۳۸۹، سال سوم، شماره ۵، صص ۴۵-۶۱.
- [۱۰] معین، م؛ ۱۳۷۸: فرهنگ فارسی. جلد ۲: تهران، نشر امیر کبیر.
- [۱۱] گیدنز، آ؛ ۱۳۷۹: جهان رها شده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی؛ مترجم علی اصغر سعیدی: یوسف حاجی عبدالوهاب: تهران: علم و ادب.



همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native artichecture & urbanism of IRAN



- [۱۲] ملکیان، م؛ ۱۳۸۱: مدرنیته، روشنفکری و دیانت (رهیافتی بر تجددگرایی، سنت گرایی و پساتجدد گرایی)، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ص ۶۳-۱۲۸، تهران.
- [۱۳] علی بابایی، غ؛ ۱۳۸۴: فرهنگ سیاسی ارش؛ تهران؛ انتشارات اشیا؛ ص ۵۳۷.
- [۱۴] میلانی، ع؛ ۱۳۷۸؛ تجدد و تجدد ستیزی در ایران؛ تهران، نشر آتیه.
- [۱۵] رجایی، ف؛ ۱۳۸۲؛ مشکله ی هویت ایرانیان امروز؛ ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ، تهران، نشر نی.
- [۱۶] طباطبایی، ج؛ ۱۳۷۲؛ درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران؛ تهران، انتشارات کویر.
- [۱۷] حائری، ع؛ ۱۳۰؛ نخستین رویارویی اندیشه گران ایرانی با دورویه ی تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیر کبیر.
- [۱۸] آدمیت، ف؛ ۱۳۸۵؛ امیر کبیر و ایران؛ چاپ اول؛ چاپ نهم؛ شابک ۱؛ انتشارات خوارزمی.
- [۱۹] قیصری، ع؛ ۱۳۸۳؛ روشنفکران ایران در قرن بیستم ترجمه محمد دهقانی؛ تهران؛ انتشارات هرمس با همکاری مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها.
- [۲۰] غنی نژاد، م؛ ۱۳۷۷؛ تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر، تهران، نشر مرکز.
- [۲۱] طباطبایی، ج؛ ۱۳۷۶؛ ما و راه تجدد، کیان، شماره ۳۹.
- [۲۲] رزاقی، س؛ ۱۳۷۷؛ تاملی بر سه لحظه گذرا از نظام پاتریمونیا ل به دموکراسی در ایران معاصر، راه نو، شماره ۱.
- [۲۳] هودشتیان، عطا؛ ۱۳۷۳؛ مقدمه بر زایش و پویش مدرنیته؛ نگاه نو؛ شماره ۲.
- [۲۴] آجدانی، ل؛ ۱۳۹۰؛ رویای تجدد در ایران؛ چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۰؛ ۴۷:۱۴ منبع: روزنامه شرق.